



شکلهای مختلف رابطه انسان با مال دنیا/ چه رابطه ای با مال دنیا ارزشمند است؟

حُسن تلاش برای کسب مال به منظور انفاق در راه خدا یک شرط دارد و آن این است که کسب مال و ثروت به انگیزه انجام مستحب، موجب بازماندن انسان از واجبات و مسائل اصلی و مهم وی نگردد.

خبرگزاری مهر- حُسن تلاش برای کسب مال به منظور انفاق در راه خدا یک شرط دارد و آن این است که کسب مال و ثروت به انگیزه انجام مستحب، موجب بازماندن انسان از واجبات و مسائل اصلی و مهم وی نگردد.

رابطه انسان با مال دنیا از چند نظر قابل بررسی است؛ یک جهت آن مربوط به دلبستگی انسان به مال دنیا می شود. در این خصوص تفاوتی بین مال زیاد و مال کم وجود ندارد؛ ممکن است کسی مال اندکی هم داشته باشد، ولی دلبستگی اش به آن بسیار زیاد باشد. دلبستگی انسان به مال دنیا، کم یا زیاد، مطلقاً میغوض است، منتها میغوضیتی که به حد حرمت نمی رسد اما می تواند انسان را به معصیت بکشانند. اگر دلبستگی به مال دنیا به گونه ای باشد که مانع انسان در راه انجام وظیفه شرعی گردد و یا به حدی باشد که موجب کوچکترین ضربه و آسیبی به فعالیت های انسان از قبیل عبادت و تحصیل گردد بسیار مذموم است.

بهترین حال در این زمینه این است که وجود و عدم مال دنیا برای انسان علی السویه باشد؛ یعنی اگر مالک مال دنیا بود، زیاد خوشحال نشود و اگر هیچ چیز نداشت و یا اموال خود را از دست داد. خیلی غصه دار و ناراحت نگردد؛ چرا که هر دو حالت برای او وسیله آزمایش و امتحان الهی است. تا هرگز بر آنچه از دست شما رود دلتنگ نشوید و به آنچه به شما رسد دل شاد نگردید. (سوره حدید آیه 23) یکی از راه های پیدایش این حالت این است که انسان سعی کند مقداری از دارایی خود را آن هم از چیزهایی که دوست دارد، در حدی که برایش میسر است در راه خدا انفاق کند.

هر گز به مقام نیکوکاران و خاصان خدا یا درجات عالی بهشت نخواهید رسید مگر آنکه از آنچه دوست می دارید در راه خدا انفاق کنید. (آل عمران آیه 92) البته حسن تلاش برای کسب مال به منظور انفاق در راه خدا یک شرط دارد و آن این است که کسب مال و ثروت به انگیزه انجام مستحب، موجب بازماندن انسان از واجبات و مسائل اصلی و مهم وی نگردد.

ممکن است انسان اموال زیادی هم در اختیار داشته باشد اما خودش از آن استفاده نکند خوبی یا بدی این کار به انگیزه انسان باز می گردد. گاهی مصرف نکردن به این دلیل است که انسان دوست دارد مالش دست نخورده باقی بماند به این حالت بخل می گویند که از نظر اسلام بسیار مذموم و نامطلوب است. اما اگر استفاده نکردن از مال و ثروت به این انگیزه باشد که انسان به لذایذ دنیا عادت نکند، هدفی والا و مطلوب به شمار می آید.

انسان وقتی از داشتن چیزی لذت ببرد ناخودآگاه به آن علاقه مند می شود معمولاً نحوه شکل گیری محبت ها اینگونه است؛ یعنی ابتدا انسان از چیزی لذت می برد، سپس کم کم از آن خوشش می آید و دلش می خواهد همیشه آن را داشته باشد بنابراین یکی از راه های عدم دلبستگی به مال دنیا این است که انسان کمتر از آن استفاده کند تا از آن کمتر لذت ببرد. اگر کم مصرف کردن به این انگیزه باشد که به مال دنیا دلبستگی پیدا نکند، به تدریج به صفت زهد که مطلوب اولیای خدا و یکی از اوصاف کمالیه است، دست پیدا خواهد کرد. زاهد بودن به معنای فاقد بودن نیست، انسان ممکن است ثروت زیادی هم داشته باشد اما زاهد باشد. معروف است که حضرت سلیمان (ع) با وجود آن همه مواهبی که خداوند به او داده بود به نان جو، آن هم از دست رنج خودش قانع بود؛ یعنی در عین داشتن ثروت و مکان، زاهدانه زندگی می کند.

رابطه دیگری که انسان با مال دنیا پیدا می کند از جهات اخلاقی و ارزشی است؛ از این حیث ممکن است اخلاق خوب یا بدی در انسان شکل گیرد. اگر انسان شیفته مال دنیا باشد، به حدی که آن را ارزش بداند، در صورت ازدیاد مالش، از فرط خوشحالی به اصطلاح خودش را گم می کند. عکس این حالت نیز زمانی است که انسان صاحب مال و توانگری، با از دست دادن ثروتش غصه دار شود، به گونه ای که از فرط ناراحتی، آرامش و سلامت روانی خود را نیز از دست بدهد. این دو حالت لازمه دل بستگی به دنیا است. اگر انسان علاقه ای به مال دنیا نداشته باشد و فقط آن را برای انجام وظایف بخواهد، هیچ گاه دلبسته آن نمی شود. انسان باید ببیند در این موقعیت که قرار گرفته است چه وظیفه ای دارد انفاق در راه خدا در اوج توانمندی یا صبر و شکیبایی در نهایت فقر از وظایف انسان است که نوعی عبادت به شمار می رود.

کسی که هدفش آخرت است نه با بدست آوردن مال خوشحال می شود و نه با از دست دادن آن چندان غمگین و افسرده. بنابراین

انسان باید سعی کند که هر دو حالت خوشحالی (در حالت غنا و ثروتمندی) و جزع (در حالت فقر و مصیبت) را از خود دور کند.